



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
ژانویه ۲۰۱۸

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه ژانویه، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. ایمان ربودگی
۲. اهمیت حفظ کردن کلام خدا
۳. طبیعت سه گانه‌ی انسان

ایمان ربودگی

آیا ایمان ربودگی عمل فوری و آنی فیض پیش از ربودگی است؟
آیا با تقدس مرتبط است؟

این اصطلاحی است که باور دارم برادر برانهام آن را ابداع کرد. می‌خواهم بطور خلاصه با تأکید بر معنای آن آغاز کنم. این ربودگی نیست که "با اعمال، بر اساس رفتار خود، خود را آماده‌ی ربه شدن کنید." ربودگی ربطی به اعمال ندارد. بلکه یک ایمان ربودگی است. این تمایل وجود دارد که ما این را عملی شخصی قلمداد کرده و فکر کنیم که خودمان را برای ربودگی آماده می‌کنیم. این اشتباه بارها رخ می‌دهد، آن هم به دلیل سوء تفهام‌هایی که از چند صحبت برادر برانهام ایجاد شده است.

او در مهر نخست گفت:

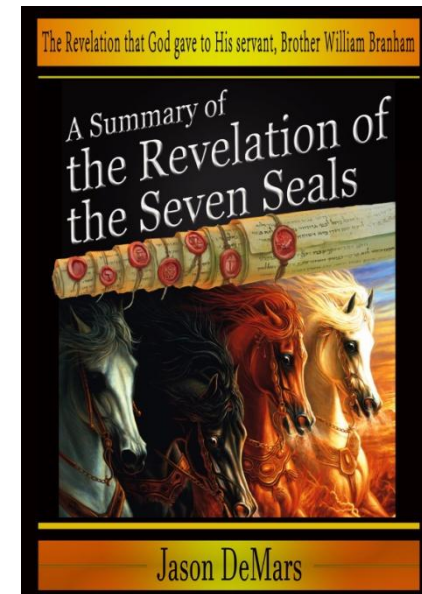
"سپس هفت رعد اسرارآمیز واقع خواهد شد که اصلاً در موردش چیزی نوشته نشده است. و من ایمان دارم که آن هفت رعد در زمان‌های آخر آشکار خواهند شد، تا عروس را برای ایمان ربودگی گردهم بیاورد؛ چون ما نمی‌توانستیم با اعمال، چیزی را که هم اکنون داریم، انجام دهیم. ما باید قدم فراتر بگذاریم؛ ما برای شفای الهی ایمان کافی نداریم. ما باید ایمان کافی داشته باشیم تا در لحظه، تبدیل شده و از این زمین جدا شویم. و پس از مدتی این را خواهیم دید، به امید خدا، خواهیم دید که این در کجا نوشته شده است."¹

می‌خواهم که شما به چند مورد دقت کنید. باید چیزی در روزهای آخر آشکار شود تا عروس را به ایمان ربودگی برساند؛ چون چیزی را که هم اکنون داریم،

¹ 63-0318، مهر نخست، برادر ویلیام ماریون برانهام

خلاصه‌ای از مکاشفه‌ی هفت مُهر

ما کتاب «خلاصه‌ای از مکاشفه هفت مُهر» را منتشر کرده‌ایم. هدف این است که این کتاب ابزاری برای تعلیم نوایمانان و ایمانداران جوان باشد، همچنین بعنوان مرجعی برای مفاهیم پایه‌ای تعلیم در زمینه‌ی هفت مُهر که برادر برانهام در سال ۱۹۶۳ آشکار کرد، مورد استفاده قرار بگیرد. می‌توانید این کتاب را از وبسایت amazon.com یا ptmresources.org سفارش دهید.



نمی‌توانستیم بواسطه‌ی اعمال بدست آوریم. ایمان ربودگی که نیاز داریم، از اساس آنچه خدا آشکار می‌سازد، می‌آید. برادر برانهام در ۱۶ جای متفاوت در عوض «ایمان ربودگی» آن را «فیض ربودگی» خطاب می‌کند. بنابراین ما دو مفهوم متصل در رابطه با ربودگی می‌بینیم که به نجات از طریق عیسی مسیح مرتبط است. "زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله‌ی ایمان و این از شما نیست، بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند."^۲ نجات و ربودگی ما به یک شکل و صورت می‌آیند. سپس، می‌خواهم مفهوم ایمان ربودگی را در کلام خدا به شما نشان دهم.

"به ایمان خونخ منتقل گشت تا موت را نبیند و نایاب شد چرا که خدا او را منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل کرد."
عبرانیان ۵:۱۱

در عبرانیان ۱۱ متوجه می‌شویم که هابیل، ابراهیم، نوح و غیره همگی ایمان داشتند. به هر کدام از آنها ایمان عطا شده بود تا هدف خاص خدا در آن دوره را به انجام برسانند. به راستی که این عطیه‌ی خدا بواسطه فیض است. به خونخ ایمان بی‌نظیری داده شد، این ایمانی منتقل کننده یا ایمان ربودگی بود. چون "خونخ به ایمان منتقل گشت." و عروس نیز بواسطه‌ی ایمان منتقل خواهد گشت. به خونخ ایمانی منتقل کننده داده شد و به عروس نیز ایمانی برای ربودگی داده خواهد شد.

ما اغلب ایمان ربودگی را بعنوان رویدادی در آینده و اتفاقی آتی می‌دانیم. این مفهوم وجود دارد که باید منتظر ایمان ربودگی بمانیم، اما می‌خواهم شما منتظر چیزی شوید. ایمان ربودگی باید از طریق هفت رعد مکاشفه بیاید. ما در گذشته این موضوع

^۲ افسسیان ۲:۸-۹

را پوشش داده‌ایم، اما بیایید بار دیگر به آن پردازیم. نبی مَهر هفتم به ما می‌گوید...

"در اینجا متوجه می‌شویم که مَهر ششم بر ما باز شده است؛ ما آن را می‌بینیم، و می‌دانیم که این مَهر هفتم برای عموم گشوده نمی‌شود، تا زمانی که ساعتش فرا رسد."^۳

بسیاری از این صحبت این‌گونه برداشت کرده‌اند که مَهر هفتم آشکار نشده و بنابراین مَهر هفتم مربوط به آینده است و در آینده آمده و ایمان ربودگی را به ما خواهد داد. اما این نظریه تقریباً مخالف تمام چیزهای دیگری است که او در این مورد گفته است. معتقدم که عبارت‌های کلیدی این‌ها می‌باشند: "این مَهر هفتم برای عموم گشوده نمی‌شود، تا زمانی که ساعتش فرا رسد." حال بیایید چند نقل قول را بررسی کنیم تا نشان دهیم که ما دارای تمام عناصر لازم برای ایجاد ایمان ربودگی هستیم.

"و به یاد دارم زمانی که او وارد آن نور بزرگ شد، در ماه جون سال ۱۹۳۳ پایین رودخانه ایستاده بود، او گفت: "همان‌طور که یحیی تعمید دهنده فرستاده شد تا پیشرو آمدن اولیه‌ی عیسی مسیح باشد، همچنین تو به همراه یک پیغام برای آمدن ثانویه‌ی او فرستاده خواهی شد." و سرتاسر دنیا، او به آتش‌های احیایی که برای مدت ۱۵ سال تقریباً بر روی هر کوهی بر گزار می‌شد، رفت. شفای الهی، قدرت و احیاء در ملت‌ها.

۲۲۶. حال باور دارم که عروس آماده است تا به اوج رسیده و ایمانی را ارمغان بیاورد که کلیسا را در جلال برآید. او در پیغام قرار دارد. ما حقیقتاً در زمان آخر هستیم. ما در موردش صحبت کردیم، اما حال این واقعه به ما رسیده است. بله قربان! درست است."^۴

^۳ 63-0324E، مهر هفتم، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۴ 62-1230M، مرجع، برادر ویلیام ماریون برانهام

خود را به ارث می‌برید." ژنتیک شما از پدر و مادران نشأت می‌گیرد.^{۱۲} والدین ما گناهکار هستند و بنابراین ما طبیعت گناهکاران را دریافت می‌کنیم. می‌خواهم متوجه شوید برای آنانی که برگزیدگان خدا هستند، در جان آنها دو طبیعت وجود دارد.

"شاید کسی بگوید: "ویلیام برانهام یک حقه‌باز رذل است." می‌بینید؟ چون من از چارلز و اِلا برانهام به دنیا آمدم. من در طبیعت آنها گناهکار بودم، من دروغگو به دنیا آمدم، و تمام عادت‌های دنیا در من بود. اما در عمق ذات من طبیعت دیگری نیز از پیش وجود داشت. می‌فهمید؟ توسط خدا. در همان جسم، دو طبیعت در یک جسم. ما طبیعتی شریر داریم که در جان ما قرار دارد. همچنین برگزیدگان، ژن خدا را در جان دارند و این ژن می‌تواند زنده شود و به حیات ابدی دست یابد."^{۱۳}

جسم ما دارای حس‌هایی است که به جهان طبیعی مرتبط است؛ بینایی، چشایی، لامسه، بویایی و شنوایی. سپس این روح ماست که دارای نیروهای ذهنی است؛ استدلال، عاطفه، وجدان، حافظه و تخیل. این جان ما است که طبیعت حاکمیت بر رفتار جسم و روحمان را دارد. اگر این طبیعت برای این دنیا عادی است، پس یک طبیعت شریر است، اما تمایل به پرستش، ارتباط برقرار کردن با مردم و غیره را دارد. زمانی که طبیعت از بین می‌رود و ما تولد تازه می‌یابیم، حال دی. ان. ای. و ژن خدا درون ما زنده شده و بر طبیعت شریر ما غلبه می‌کند.

^{۱۲} حال ژن‌های پدر و مادر این پسر در او همان جسمی خواهد بود که دورگه است، صرف‌نظر از اینکه آنها ایمان آورده باشند. بنابراین آن پسر در خود ترکیبی را دارد، درست مانند خانواده مادری‌اش، همچنین آنها بخشنده نیستند، معذرت خواهی نمی‌کنند و حالا آن پسر اینجا ایستاده است.
^{۱۳} 63-0801 یک تضاد، برادر ویلیام ماریون برانهام
65-1212، عشاق ربانی، برادر ویلیام ماریون برانهام

"لکن اینها، چون حیوانات غیرناطق، که برای صید و هلاکت طبعاً متولد شده‌اند، ملامت می‌کنند بر آنچه نمی‌دانند و در فساد خود هلاک خواهند شد." دوم پطرس ۲:۱۲

بازهم، این توسط طبیعت جان حکم می‌شود و در اینجا به یک دلالت منفی متصل شده است. پولس همچنین این را به یک چیز منفی متصل کرد. ما می‌توانیم ببینیم که طبیعت حاکم انسان، جانش است. بنابراین، می‌گوییم که جان، طبیعت روح است. برادر برانهام در موعظه‌ی «جان‌هایی که هم اکنون در اسارت هستند»، گفت:

"و جان از طبیعت روح است. و سپس طبیعت انسان... زمانی که او گفت: "ما مرده‌ایم." کتاب مقدس به وضوح به ما می‌گوید که: "ما مرده‌ایم، و زندگی مان در خدا از طریق مسیح مخفی است و از روح قدوس مختم شده‌ایم." جسم شما نمرده؛ روح شما نمرده، طبیعت روحتان است که مرد. می‌بینید؟ این طبیعت جان است. طبیعت جان شما از خداست، اگر تولد تازه یافته باشید. اگر نه، جان شما از دنیاست."^{۱۰}

این جان است که حاکم رفتار انسان است. جان مانند برج کنترل است. می‌خواهم این را به طور مختصر به ژنتیک ربط دهم. تمام چیزی که ما هستیم، نتیجه‌ی چگونگی ثبت ژنتیک نسل ما در کنار هم است. دی. ان. ای. جنبه‌های جسمی، روانی و طبیعی را فرمان می‌دهد. این امر بر جسم، روح و جان ما تاثیر می‌گذارد. زمانی که لاوی هنوز در صُلب پدرش ابراهیم بود، ده یک داد.^{۱۱} ژنتیک ما نسل به نسل منتقل می‌شود، این ژنتیک از آدم و مار آغاز شد. با ادغام پسران خدا (نسب آدم از طریق شیث) و دختران انسان (نسب مار از طریق قائن) این ژنتیک‌ها در نسل انسان ترکیب شدند. برادر برانهام در موعظه‌ی «خانه‌ی آینده» می‌گوید: "آدم مستقیماً از خدا بود. و شما طبیعت والدین

^{۱۰} 63-1110M، جان‌هایی که اکنون در اسارت هستند، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۱۱} عبرانیان ۹:۷

این متن از پیغامی به نام مطلق است که برادر برانهام یک روز صبح موعظه کرد. او در این موعظه نبوت ملاقات هفت فرشته را خودش در آریزونا بیان کند. او از پیغام و درمورد پیشروی آمدن ثانویه مسیح صحبت می‌کند. سپس می‌گوید: "که عروس آماده است تا به اوج رسیده و ایمانی را ارمغان بیاورد که کلیسا را در جلال برآورد." این همان پیغامی است که آماده است تا به اوج رسیده و ایمان ربودگی را به ارمغان بیاورد. این سرّی نیست که در آینده توسط هفت رعد آشکار شود.

حال بیاوید به چند چیز که او پس از موعظه هفت مهر درمورد آنها سخن گفت، نگاه کنیم. سپس به آنجایی نگاه کنیم که او گفت مهر هفتم بر عموم آشکار نخواهد شد.

"۹۵. آیا هفت رعد که برابر با هفت سرّ می‌باشند، از پیش آشکار شده‌اند؟ آیا آنها در هفت مهر آشکار شدند، ولی هنوز ما آنها را به اسم رعدها نمی‌شناسیم؟
آنها در هفت مهر آشکار شدند؛ موضوع رعدها همین است. آنها برای آشکار شدن وجود داشتند... هفت رعدی که سخن گفتند و هیچ کس از آن سر در نیاورد... یوحنا می‌دانست که آن چیست، اما از نوشتن آن منع شد. او گفت: "بلکه در ایام صدای فرشته‌ی هفتم، سرّ خدا به اتمام خواهد رسید." و فرشته‌ی هفتم، پیغام آور دوره‌ی هفتم کلیسا است. می‌بینید؟"^۵

در اینجا نبی خدا برای بیان تفسیر خود در انتهای نقل قول خود از مکاشفه ۷:۱۰ می‌خواند. فرشته‌ی هفتم، هفت سرّ، هفت رعد را آشکار خواهد کرد. او به ما می‌گوید که آنها در مهر آشکار شده‌اند، این درمورد رعد و برق است. در مکاشفه ۷:۱۰ می‌بینیم که آن درباره‌ی سرّ خداست. در سال ۱۹۶۳ پس از آنکه مهرها موعظه شد، او «مسیح،

^۵ 64-0830E پرسش و پاسخ ۴، برادر ویلیام ماریون برانهام

سر آشکار شده‌ی خداست.» را وعظ کرد. او در آنجا نشان داد که سر رستگاری چیست، هدف سه‌گانه خدا. او از مسیح و عروس سخن می‌گوید و می‌گوید که آنها مکاشفه‌ی تمامی پری الوهیت می‌باشند. این نشان می‌دهد که خدا خود را در پری در مسیح و عروس آشکار کرد تا برتری یابند، در عوض ملکوت را به زمان باغ عدن بازگرداند. فرشته‌ی هفتم سر را آشکار می‌کند، این با هفت رعد مرتبط است. به یاد داشته باشید، در دانیال ۴:۱۲، ۸-۱۰ است که ما متوجه می‌شویم کتاب تا به انقضای زمان مختوم است. اسرار رستگاری در این کتاب مخفی هستند و بطور کامل در زمان آخر آشکار شده‌اند. توجه کنید، برادر برانهام گفت:

"این در کتاب هفت مهر که ما اکنون از آن صحبت می‌کنیم، توضیح داده شده است. بسیار خوب. کتاب رستگاری، همه چیز در اینجا توصیف شده است. اگر خدا اجازه دهد، تمام آنچه که مسیح در انتها انجام خواهد داد، در طول این هفته و در هفت مهر برای ما مکشوف خواهد شد.

۱۴۱. و چنان که مهرها باز شوند، برای ما مکشوف می‌گردد. سپس می‌توانیم ببینیم که این نقشه‌ی عظیم رستگاری چیست و چه زمانی و چگونه انجام خواهد شد. تمام اینها در این کتاب اسرار، مخفی است. این کتاب ممه‌ور به هفت مهر است... و بره تنها کسی است که می‌تواند آنها را بگشاید."^۶

کتاب رستگاری به هفت مهر مختوم شده است. زمانی که آن مهرها شکسته شوند، سر نقشه‌ی عظیم رستگاری آشکار می‌شود. ما در کتاب «شرحی بر دوره‌های کلیسا» می‌خوانیم:

^۶ 63-0317E، تعامل میان هفت دوره کلیسا و هفت مهر، برادر ویلیام ماریون برانهام

از آنجا که جان او اضطراب را حس کرده بود، جان او دارای احساس بود. او مضطرب شد. جان ما می‌تواند همان‌طور که با روحمان در ارتباط است، در سختی‌ها پریشان و ناراحت باشد.

"و حاصل شهوت نفس تو از تو گم شد و هر چیز فربه و روشن از تو نابود گردید و دیگر آنها را نخواهی یافت." مکاشفه ۱۴:۱۸

در این مورد جان به چیزهای شریر اشتیاق داشت. بنابراین جان می‌تواند دارای طبیعت، تمایل و اشتیاق باشد.

"اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمی‌تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح می‌شود.^{۱۵} لکن شخص روحانی در همه چیز حکم می‌کند و کسی را در او حکم نیست." اول قرنتیان ۱۴:۲-۱۵

"و من، ای برادران! نتوانستم به شما سخن گویم چون روحانیان، بلکه چون جسمانیان و چون اطفال در مسیح." اول قرنتیان ۱:۳

انسان نفسانی امور روح‌القدس را نمی‌پذیرد. مردی که فقط با جان خود حکم می‌کند، نمی‌تواند روح خدا را دریافت کند. این بدین معنی نیست که ما آن را از طریق روح انسانی دریافت می‌کنیم، بلکه در مورد ضرورت دریافت روح‌القدس و زنده شدن در مسیح سخن می‌گویید. در این مرحله، ما می‌توانیم امور خدا را دریافت کنیم. در این سه آیه می‌بینیم که ما دارای انسان نفسانی، انسان روحانی، و انسان جسمانی هستیم. نه انسان جسمانی و نه انسان نفسانی نمی‌تواند امور خدا را دریافت کنند. تنها مرد روحانی می‌تواند این کار را بکند.

خدا ظاهر سازیم. این روح و جسم انسانی ماست که از طریق گناه نجس می‌شود. آنگاه می‌بینیم این تنها جسم نیست که تحت تاثیر طبیعت گناه قرار می‌گیرد، بلکه روح انسان نیز تحت تاثیر گناه قرار گرفته و آلوده می‌شود.

"و به روح ذهن خود تازه شوید." افسسیان ۲۳:۴

روح ذهن ما باید توسط قدرت‌های احیا کننده‌ی خدای زنده‌ی درونمان احیا شود. او می‌گوید که فقط ذهن شما نباید تازه شود، بلکه روح ذهن شما، تمام توانایی‌ها و نیروها باید از ابتدا تا انتها کاملاً تازه شود. روح انسان به ذهن انسان و تمام قوه‌ی ذهنی آن متصل است. روح از طبیعت گناه لکه‌دار شده و باید شستشو یابد. آن خسته و ضعیف می‌شود و نیاز به تازه شدن دارد.

بیاید دقیق‌تر به جان انسان نگاه کنیم. در کل کتاب مقدس کلمه جان (نفس) می‌تواند از یک شخص بطور کلی صحبت کند، بعنوان خود حقیقی شما، و بعنوان قوه‌ی ذهنی داخلی. بیاید به چند آیه در کتاب مقدس نگاه کنیم.

"از کسانی که جسم را می‌کشند، ولی قادر به کشتن جان نیستند، نترسید. از کسی بترسید که قادر است جسم و جان، هر دو را در دوزخ تباہ سازد." متی ۲۸:۱۰

در اینجا می‌بینیم که جان متمایز از جسم است. جسم می‌میرد، اما جان به زندگی ادامه می‌دهد. خدا قادر است جان را از بین ببرد، یا به عبارت دیگر در دوزخ تباہ سازد.

"الآن جان من مضطرب است و چه بگویم؟ ای پدر! مرا از این ساعت رستگار کن. لکن بجهت همین امر تا این ساعت رسیده‌ام." یوحنا ۱۲:۲۷

عیسی خداوند در حال دعا اذعان کرد که جانش مضطرب است. این نشان می‌دهد

"حال، این پیغام‌آور ملاکی ۴ و مکاشفه ۷:۱۰ قرار است دو کار انجام دهد. یک، طبق ملاکی ۴ او دل پسران را به سمت پدران برمی‌گرداند. دو، او اسرار هفت رعد مکاشفه ۱۰ را که مکاشفه‌ای است که در هفت مهر قرار دارند، مکشوف خواهد نمود. این «سر-حقیقت» مکشافه‌ی الهی است که عملاً دل پسران را به سمت پدران پنطیکاستی برمی‌گرداند. دقیقاً همین‌طور است."^۷

احیای ایمان و سر-حقیقت آشکار شده در مکاشفه ۱۰ که از طریق رعد‌ها آشکار شده است، با هم متصل هستند. این امر به وضوح نقشه‌ی رستگاری را نشان می‌دهد. این معنایش را در تمام این مدت آشکار می‌کند. حال بیاید با دقت و به ترتیب وقوع رویدادهای مکاشفه ۱۰ را بررسی کنیم.

۱. فرشته‌ی زورآوری که با یک کتابچه نازل می‌شود.
۲. هفت رعد سخن گفتند.
۳. پیغام‌آور دوره‌ی هفتم کلیسا، سر را آشکار می‌کند.
۴. یوحنا، نماینده‌ی عروس، کتابچه را گرفته و می‌خورد.

تمام این وقایع به هم مرتبط می‌باشند. از طریق پیغام‌آور دوره‌ی هفتم کلیسا است که هفت مهر آشکار می‌شوند. اگر فرشته‌ی زورآور با کتابچه‌ی باز نازل شود (کتابچه‌ای که زمانی به هفت مهر مختوم بود) و به آواز بلند صدا کند؛ و هفت رعد به صداهای خود سخن بگویند، آنها به وضوح با هم مرتبط هستند. سپس به یوحنا گفته شد، آنچه را که هفت رعد سخن گفتند، مختوم سازد و آنها را بنویسد. بنابراین سری است که باید در زمان آخر آشکار شود. یوحنا سپس می‌نویسد: "بلکه در ایام صدای

^۷ شرحی بر هفت دوره‌ی کلیسا، کلیسای لائودیکیه، برادر ویلیام ماریون برانهام

فرشته‌ی هفتم، چون کَرنا را می‌باید بنوازد، سرّ خدا به اتمام خواهد رسید، چنان‌که بندگان خود انبیا را بشارت داد.^۸

از طریق پیغام‌آور دوره‌ی هفتم کلیساست که سرّ خدا به اتمام خواهد رسید. ما از طریق پیغام‌آور دوره‌ی هفتم کلیسا دارای همه چیز برای ایمان ربودگی هستیم. می‌خواهم به آنچه او در سال ۱۹۶۵ گفت، توجه کنید.

"چیزی که امروز در رابطه با پیغام وجود دارد، این است، آثانی که پیغام را با قلبشان می‌پذیرند، باید در حضور پسر بمانند تا بالغ شوند. می‌بینید؟ شما می‌توانید پیغام را گرفته و سپس اجازه دهید پسر خامی شما را از بین ببرد، می‌بینید؟ و از شما مسیحی بالغ بسازد. منظورم را می‌فهمید؟ خدا به زودی می‌آید تا کلیسایش را بردارد و ما باید چنین مسیحیانی باشیم تا او ما را دریافت کند. گندم باید رسیده باشد. بسیار خوب."^۸

او برای اولین بار در دسامبر سال ۱۹۶۴ در مورد «ماندن در حضور خدا برای بالغ شدن» صحبت می‌کند، و از آن زمان او ۱۵ بار به آن اشاره می‌کند. این موضوعی مداوم است که او به آن اشاره می‌کند. ایده‌ی اصلی این است که ما هم‌اکنون پیغام را داریم، اما نیاز داریم که در حضور پسر بمانیم و بالغ شویم، پخته شویم، رشد کنیم و به بلوغ برسیم. پخته شدن و رشد کردن، هر دو یک روند هستند. آنها فوراً رخ نمی‌دهند. اگر به یاد داشته باشید در مقاله‌ی گذشته موضوعی به نام عادل شمردگی و تقدیس وجود داشت. ما در آن اشاره کردیم که در زمان آخر برای عروس مسیح، تقدسی بی‌نظیر به منظور آمادگی برای ربوده شدن وجود دارد. برای جزئیات بیشتر به آن مقاله مراجعه کنید. ما برای اینکه مسیحیانی بالغ و آماده‌ی ربودگی باشیم، باید رسیده شویم. از طریق

^۸ 65-0822M، مسیح در کلام خود آشکار شده است، برادر ویلیام ماریون برانهام

(حافظه)، و از چیزی خوش یا بدش بیاید (عاطفه).

"چون که روح من و شما را تازه کردند. پس چنین اشخاص را بشناسید." اول
قرن‌تیا ۱۶:۱۸

روح ما می‌تواند ضعیف و خسته شود و نیاز به تازه شدن داشته باشد. همه‌ی ما این تجربه را داشته‌ایم که چند بار در مقطعی از زندگی مان مغزمان خسته و بیزار می‌شود. سپس دوست یا فامیلی که از مصاحبت با او لذت می‌برید نزدتان می‌آیند و آنها شما را با مشارکت خود، تازه می‌سازند.

"در روح خود آرامی نداشتم، از آن رو که برادر خود تیطس را نیافتم، بلکه ایشان را وداع نموده، به مکادونیه آمدم." دوم قرن‌تیا ۲:۱۳

"و از این جهت تسلی یافتیم، لیکن در تسلی خود شادی ما از خوشی تیطس بی‌نهایت زیاده گردید، چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود." دوم قرن‌تیا ۷:۱۳

ما این را تجربه کرده‌ایم که دنبال شخصی می‌گردیم، اما نمی‌توانیم پیدایش کنیم. ما در روح خود ناآرام می‌شویم و احساس می‌کنیم که مجبور هستیم به گشتن ادامه دهیم. زمانی که او در نهایت پیدا می‌شود، چقدر آرامش خاطر پیدا می‌کنید، مخصوصاً اگر او دوست عزیزی باشد که می‌خواهد کلام خدا را نزد شما آورده و خدمت کند. به معنای واقعی کلمه روح شما زنده می‌شود.

"پس ای عزیزان! چون این وعده‌ها را داریم، خویشان را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خداترسی به کمال رسانیم." دوم قرن‌تیا ۷:۱

در اینجا می‌خوانیم که روح و جسم می‌توانند ناپاک باشند و ما باید آن را به روح

زمانی که روح حیات در بدن او دمیده شد، آدم نَفَس (جان) زنده شد. بنابراین آنها از این آیه استفاده می‌کند تا بگویند که جان، بطور کلی وجود انسان است، نه به شکل روح، جسم و جان. می‌توانستیم از آیات بسیاری برای آشکار شدن موضوع استفاده کنیم، اما بیایید به آیات قطعی کلام خدا برای پاسخ تمام سؤالات استفاده کنیم.

"زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر است از هر شمشیر دودم و فرورونده، تا جدا کند نَفَس و روح و مفاصل و مغز را، و ممیِّز افکار و تیت‌های قلب است." عبرانیان ۱۲:۴

این آیه نشان می‌دهد که نَفَس و روح می‌توانند از هم جدا شوند. بنابراین یکی نیستند. شما می‌توانید چیزی را که به هم پیوسته و از هم متمایز است، جدا کنید. زن و شوهر یکی هستند و متأسفانه آنها می‌توانند از هم جدا شوند. اگرچه، شوهر را به خودی خود نمی‌توان جدا کرد، چون یک وحدت مرکب است. کلام خدا آن قدر قوی است که می‌تواند نَفَس و روح متحد را از هم جدا کند.

حال، بیایید نگاه کنیم و تفاوت میان روح و جان را براساس کتاب مقدس ببینیم.

"زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بدانند، جز روح انسان که در وی می‌باشد. همچنین نیز امور خدا را هیچ کس ندانسته است، جز روح خدا." اول قرنتیان ۱۱:۲

این آیه در مورد نقشه‌هایی صحبت می‌کند که خدا برای ما در نظر دارد. روح انسانی ما، نقشه‌های ما، افکار و اهدافمان را می‌داند. روح ما «می‌داند»، بنابراین می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که مغز انسان به روح انسان متصل است. در واقع، این روح است که می‌داند و این روح از طریق مغز به بدن ما متصل است. از آنجا که روح مکان سکونت دانش است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که روح ما دارای قابلیت و حواس مختلفی است. روح ما می‌تواند استدلال کند، درست را از اشتباه تشخیص دهد (وجدان)، به یاد بسپارد

پیغام برادر برانهام هفت رعد آشکار شدند و ما چیزی را که برای ایمان ربودگی مورد نیاز است در اختیار داریم. با این حال، این مکاشفه باید در عروس پخته و رسیده شود تا او آماده‌ی ربودگی باشد. برادر برانهام در موعظه‌ی «ایمان کامل» این افکار را به هم متصل می‌کند.

"حالا ما به کمال می‌رسیم، چون برای ربودگی باید به آن برسیم. این چیزی است که اکنون مانع ربودگی می‌شود، او منتظر آن کلیسایی است که وارد ایمان کامل ربودگی شود. این یعنی که من باید بارها خودم را اصلاح کنم، برای شما مهم همین‌طور، اما به فیض خدا این کار را با هم انجام خواهیم داد."^۹

در ایمانی که ایمان ربودگی را تولید می‌کند، روند تقدس وجود دارد. به این معنی نیست که ما برای دریافت ایمان ربودگی، فقط به آینده چشمه دوخته‌ایم. ما آنچه را که لازم داریم، در اختیار داریم؛ اما باید از طریق این پیغام برای ربودگی پخته و آماده شویم. از طریق پیغام «تعمید آب به وسیله‌ی کلام» است که مسیح کلیسایی «بدون لگه و چین» به ارمغان می‌آورد. از طریق ایمان است که ما تقدیس می‌شویم، نه از طریق اعمال. از این طریق است که ما ربوده می‌شویم. کار خدا در میان ماست که ما را برای ربودگی آماده می‌کند، نه اعمال ما. پایه و اساس این کار درون ما پیغام، مسیح آشکار شده، نقشه‌ی نجات اوست، همچنین ما که هستیم که برای ربودگی تبدیل به مسیحیان بالغ شده‌ایم.

^۹ 63-0825E، ایمان کامل، برادر ویلیام ماریون برانهام

اهمیت حفظ کردن کلام خدا

آیا کتاب مقدس در مورد نیاز به حفظ آن صحبت می کند؟ آیا ما بعنوان مسیحیان در این دوران مدرن باید بخشی از کتاب مقدس را حفظ کنیم؟

در عصری که رضایت، ارتباطات و دسترسی به همه چیز فوری و آنی است، ما نمی خواهیم کمی از سرعت خود بکاهیم و بر کتاب مقدس تفکر کرده و آن را حفظ کنیم. به نظر می رسد که این امر، هنری فراموش شده است. اما این برای همه ی ایمانداران مهم است.

"کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم." مزامیر ۱۱:۱۹

ما چطور کلام را در دل خود مخفی می کنیم؟ می توانم به شما اطمینان دهم که این کار از طریق عمل جراحی صورت نمی گیرد. بلکه این روندی از تفکر به کلام خدا و به خاطر سپردن آن است. مزامیر ۱ به ما می گوید که مرد عادل روز و شب در شریعت تفکر می کند. در ایام کتیبه های بزرگ، بدون حفظ کردن کلام خدا این امری غیرممکن بود. ما دیگر در ایام کتیبه های بزرگ به سر نمی بریم، اما در دوره ای به سر می بریم که شیطان از هر سو به ما حمله می کند. ما کلام خدا را در گوشه ی دل و ذهن خود نیاز داریم تا در لحظه ی مبارزه با شیطان، آن را به یاد آوریم. حتی عیسی مسیح نیز برای مبارزه با شیطان در بیابان، کتاب مقدس را حفظ کرده بود.

فقط حفظ کردن کتاب مقدس برای مبارزه با شیطان کافی نیست، بلکه ما باید نخست تمسک روح القدس یافته باشیم. دلی که از روح القدس پر باشد و کلام خدا در آن مخفی باشد، می تواند با شیطان مبارزه کند و او را شکست دهد. چطور می توانیم کتاب مقدس را حفظ کنیم؟

این کاری بسیار ساده است و حتی فرزندان من این کار را در مدرسه ی خانگی ما انجام می دهند. شما آیاتی را که می خواهید حفظ کنید، برداشته و آن را پنج بار در روز با صدای بلند می خوانید. می توانید هفته ی بعد این کار را با بخش دیگری از کتاب مقدس انجام دهید. اگر می خواهید کل باب را حفظ کنید، آنگاه آن باب را تقسیم کرده و هر هفته یک قسمت از آن را حفظ کنید. من شخصاً، برای اولین بار مهمترین آیات تعلیمی در مورد موضوعات بشارتی، داکترین پیغام و مشکلات شخصی ام را حفظ کردم، تا بتوانم توانایی مبارزه علیه شیطان را داشته باشم. بعنوان خادمی که نیاز دارد در لحظه بسیاری از موضوعات را به یاد آورد، این کار برای خدمتم بسیار ارزشمند بود، این کار برای زندگی شخصی من هم ارزشمند است، چون هر روزه با شیطان می جنگم.

طبیعت سه گانه ی انسان

"اما خود خدای سلامتی، شما را بالکل مقدس گرداند و روح و نفس و بدن شما تماماً بی عیب محفوظ باشد در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح." اول تسالونیکیان ۵:۲۳

برخی معلمین کتاب مقدس می گویند که انسان فقط از دو بخش ساخته شده است، یک بخش روح و یک بخش جسم. بدن و روح. آنها می گویند زمانی که بدن و روح بهم می پیوندند، کل این وجود جان است. آنها از آیه ای در پیدایش استفاده می کنند که می گوید:

"خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد." پیدایش ۲:۷